



ضوابط رعایت مصلحت در سرپرستی و تربیت کودک

علی زارع قراملکی^۱

۱. طلبه سطح چهار فقه تربیت حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه: azq1378@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

کلیدواژه‌ها:

مصلحت،

ضوابط مصلحت،

رعایت مصلحت،

کودک،

مصلحت کودک.

رعایت مصلحت در ابعاد فقهی، حقوقی و تربیتی کودک، اصل مسلمی تلقی می‌شود؛ بر این اساس، با وجود ابهام موجود در مفهوم مصلحت، مراعات آن نیازمند تشریح ضوابطی است تا مانع از ادعای هر کسی در رعایت آن گردد. علی‌رغم بیان ضوابط متفاوت، متأسفانه به جهت عدم لحاظ کارکردهای متفاوت رعایت مصلحت کودک، در هم‌آمیختگی و فقدان جامعیت در ضوابط عنوان شده صورت گرفته است؛ مقاله حاضر به هدف ترمیم، این مساله را به روش توصیفی-تحلیلی از منابع کتابخانه‌ای بررسی کرده است. از آن‌جا که رعایت مصلحت کودک توسط ولی و سرپرستان او مربوط به ساحت اجرا است، برای مصلحت دو کارکرد متفاوت تحت عنوان «اجرای مصلحت به مثابه قید متعلق حکم» و «مصلحت اجرا به مثابه رافع تراحمات» تصور می‌شود. در اجرای مصلحت، به ضوابط پایه به عنوان اصول و ضوابط موضوعی به عنوان نتیجه‌های لازم در خصوص موضوع کودک اشاره شده که به دودسته «ضوابط نفس مصالح کودک» و «ضوابط عوامل مؤثر در مصالح کودک» تقسیم می‌شود. در برابر در مصلحت اجرا، «قاعده اهم و مهم» اصلی‌ترین ضابطه برای رفع تراحمات قلمداد می‌شود.

استناد: زارع قراملکی، علی (۱۴۰۴). ضوابط رعایت مصلحت در سرپرستی و تربیت کودک، ۱۲ (۲۴)، ۲۵-۳۳.

<https://doi.org/10.22034/mft.2025.19802.1395>



© نویسندگان.

ناشر: جامعة المصطفی العالمیه.

مقدمه

لزوم مصلحت‌سنجی و رعایت آن، از جایگاه ویژه‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان برخوردار است که نادیده‌انگاشتن آن امری بس دشوار خواهد بود. در این میان در بیان حقوق کودک، رعایت مصلحت او اصلی است که ادله شرعی و قوانین بسیاری تاکید بر آن داشته‌اند؛ به عنوان نمونه: مطابق نظر مفسران در آیه شریفه «و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی احسن» (انعام، ۱۵۲؛ اسراء، ۳۴)، رعایت مصلحت در اداره امور مالی یتیم لازم است. همچنین در مواد ۳۶، ۴۰ و ۴۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و مواد ۱۴، ۲۳ و ۳۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، رعایت مصلحت پیش‌فرض ماده قانونی قرار گرفته است.

می‌توان چنین ادعا کرد که رعایت مصلحت کودک افزون بر بُعد فقهی و حقوقی که مربوط به سرپرستی و حضانت کودک می‌شود، دارای بُعد تربیتی نیز هست. به عبارت دیگر مصلحت تنها در مسایل تکلیف شرعی و حقوق قانونی اهمیت ندارد، بلکه هر یک از پدر و مادر در مباحث تربیتی، فارغ از آنچه به عنوان وظیفه بر عهده دارند، به حسب ارزش اخلاقی و میل عاطفی، به دنبال رعایت مصالح کودک خویش در تربیت او هستند؛ از این رو، چگونگی رعایت مصلحت پرسش مهمی تلقی می‌شود.

در پاسخ به پرسش فوق، مشکل از آن‌جا شروع می‌شود که از یک سو بی‌ثباتی و تغییر در مفهوم مصلحت و از سوی دیگر دامنه تفسیری بالا، منجر به ابهام در مفهوم و مصداق مصلحت شده و همین باعث هموار شدن مسیر برای ادعای هر شخصی نسبت به رعایت مصلحت شود. از این رو، بیان ضوابط رعایت مصلحت به ویژه در مساله مصالح کودکان ضروری است.

در گفتمان اسلامی، مصلحت در سه ساحت مختلف استنباط احکام شرعی، تقنین قوانین و اجرای احکام و قوانین، نقش دارد (محمدی جورکویه و زارع قراملکی، ۱۴۰۳: ۸۲)؛ اما منظور از رعایت مصلحت کودک در اینجا مربوط به ساحت اجرا می‌شود که خود سه کارکرد متفاوت می‌تواند داشته باشد. به رغم نوشته‌هایی که در بیان رعایت مصلحت به ویژه مصلحت کودک به تحریر آمده است، تحلیل درستی از کارکردهای متفاوت مصلحت کودک نشده است؛ از این رو، در بیان ضوابط اشتباهاتی به جهت آمیختگی این کارکردها شده است. با این فرض که هر یک از این کارکردها از یکدیگر متمایز هستند، ضوابط متفاوتی را نیز به دنبال خواهند داشت؛ در نتیجه مساله ما در مقاله پیشرو بررسی ضوابط رعایت مصلحت در سرپرستی و تربیت کودک است.

سؤالاتی که ما در این مقاله دنبال خواهیم کرد از قرار زیر است:

۱. مفهوم مصلحت چیست؟

۲. کارکردهای رعایت مصلحت کودک کدام‌اند؟

۳. ضوابط هر یک از کارکردهای رعایت مصلحت کودک چه چیز هستند؟

بنابراین، در مقاله پیشرو ابتدا اجمالی از مفهوم مصلحت تشریح شده و بعد با عنوان کارکردهای مختلف مصلحت در ساحت اجرا، ضوابط رعایت مصلحت کودک را در دو کارکرد مستقل از یکدیگر با روش توصیفی - تحلیلی و رجوع به منابع کتابخانه‌ای بررسی می‌کنیم.

پیشینه

پیرامون مساله مصلحت کودک پژوهش‌هایی صورت گرفته است که بسیاری از این پژوهش‌ها به جایگاه و آثار رعایت مصلحت پرداخته‌اند؛ اما پژوهشی که به موضوع ضوابط مصلحت کودک اختصاص داده باشد مقاله «معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک» نوشته محمدباقر پارساپور و سوسن نوربخش (۱۳۹۴)، مقاله «جایگاه و معیار مصلحت در اشتغال اطفال» نوشته حسین جاور و فاطمه منظمی (۱۳۹۸)، در خصوص موضوع اشتغال اطفال تألیف شده است، نزدیک‌ترین مقاله به مساله نوشتار حاضر مقاله «معیار مصلحت کودک تحت حضانت در حقوق ایران، مصر و فقه مذاهب اسلامی» نوشته صالح

یمرلی و فیروز منصوری (۱۴۰۰) است؛ اما ضوابط مصلحت کودک در هیچ یک از مقالات فوق به درستی تحلیل موضوع نشده و ضوابط ناظر به کارکردهای مختلف رعایت مصلحت کودک بیان نشده و به صورت جامع نبوده است که همین موجب آمیختگی ضوابط در یکدیگر گردیده، بنابراین در این مقاله با این رویکرد به بیان ضوابط رعایت مصلحت در سرپرستی و تربیت کودک خواهیم پرداخت.

مفهوم مصلحت

بررسی مفهوم مصلحت، نه تنها موجب شناخت معنای موضوع له این واژه می شود؛ بلکه در صدق مفهوم مصلحت، خود ضابطه ای برای تشخیص مصلحت است؛ از این رو، می توان ادعا کرد اولین ضابطه در تشخیص مصلحت، مفهوم مصلحت است که از آن به عنوان «ضابطه مفهومی» یاد می کنیم.

«مصلحت» از ریشه «صلح» و «صلاح» مخالف با «فساد» و «مفسده» (جوهری، ۱۳۷۶: ۳/۳۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۳۰۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۵۱۶؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۲۴۵) و با واژگانی مانند «خیر»، «حُسن» و «نفع» معنا می شود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۱۱۷؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۴/۱۴۲). از آن جا که «مفسده» به معنای خروج از اعتدال است، صلاح، بر خط اعتدال و به دور از افراط و تفریط بودن معنا خواهد داشت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۶۳۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۹/۹۲). بر همین اساس صلاح را به مقتضای حکمت که عمل بر اساس شرایط و به دور از افراط و تفریط است، معرفی کرده اند (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۰۴).

بررسی رابطه واژه مصلحت با مفاهیمی چون منفعت و اضطرار نیز می تواند کمک شایانی در بررسی مفهوم مصلحت داشته باشد. «نفع» نقیض «ضرر» عنوان شده (ازهری، ۱۴۲۱: ۳/۶) و این لزوماً مستلزم جذب سود نیست بلکه صرف جلوگیری از زیان، منفعت شخص را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین با توجه به موقعیت هایی که پیشروی انسان قرار می گیرد، در مواردی صرف جلوگیری از زیان و در مواردی جذب سود به مصلحت شخص خواهد بود. به عبارت دیگر از آن جا که انسان ذاتاً کمال گرا بوده و به دنبال اتخاذ بهترین تصمیم هاست، همین موجب می شود تا در موقعیت های مختلف زندگی بیشترین بهره را ببرد؛ در برخی مواقع به دنبال جذب سود و در برخی مواقع به دنبال دفع ضرر است، حتی جایی می رسد که شرایط به حالت «اضطرار» رسیده که در این لحظه نیز، بهترین تصمیمی که مطابق شرایط اتخاذ می شود، عمل کردن به مقتضای مصلحت خواهد بود.

در بسیاری از موارد^۱ در کنار یا به جای مفهوم مصلحت، مفهوم غبطه نیز بکار گرفته می شود؛ از این رو، تبیین مفهوم غبطه می تواند عامل دیگری در فهم بهتر از مفهوم مصلحت باشد. غبطه در لغت به معنای وضعیت خوب (ازهری، ۱۴۲۱: ۸/۸۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴/۲۶۲) بوده و این که گفته می شود شخصی نسبت به دیگری غبطه خورد به این معنا است که آرزوی داشتن وضعیت خوب او را دارد بی آن که بخواهد آن وضعیت برای شخص مغبوط از بین برود که این حالتی غیر از حالت حسادت است که شخص حسود، زوال وضعیت خوب از طرف مقابل را آرزو می کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷/۳۵۹)؛ سید مرتضی در توضیح اصطلاح غبطه چنین بیان می کند: «شخص اتفاقی که می خواهد برای او روی دهد، آرزو کند؛ مانند اعمال یا منافع دیگران» (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲/۲۷۸). بر این اساس، غبطه وضعیت خوب و حسن حالی است که دیگران آرزوی داشتن آن را دارند، در نتیجه مصلحت نیز معنای ایجاد وضعیت خوب را به دنبال خواهد داشت.

۱. مانند: «و إذا بلغ الصبي و قد باع الأب أو الجد فادعی أنه باعه من غیر حاجة و لا غبطة كان القول قول الأب أو الجد و إن كان و صیا أو أمینا كان القول قول الصبي و وجب علی الوصي أو الأمین البینه» (طوسی، ۱۳۸۷: ۲/۱۶۳) و ماده ۴۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: مرجع قضائی میتواند با در نظر گرفتن غبطه و مصلحت طفل یا نوجوان، انجام اقداماتی از قبیل ارزیابی و تحقیقات مقدماتی درباره وضعیت جسمی، روحی و روانی وی یا پدر و مادر، اولیاء و یا سرپرستان قانونی او، وضع خانوادگی و محیط سکونت، اشتغال و تحصیل را به مددکاران اجتماعی بهزیستی محول کند.

آنچه گذشت، بیان مفهوم لغوی مصلحت بود. در برابر مصلحت در اصطلاح، چیزی غیر از معنای لغوی نبوده و به «هر گونه امر همراه منفعت یا دفع ضرر به حسب شرایط موجود» شناخته می‌شود (محمدی جورکویه و زارع قراملکی، ۱۴۰۳: ۸۲).

بررسی معنای موضوع له به تنهایی موجب ابهام‌زدایی از مفهوم مصلحت نمی‌شود؛ زیرا گاهی اختلاف در مصداق‌های مصلحت ناشی از اختلاف در مبانی نظری است که تفاوت در مفاهیم و نیز مصداق‌های ذیل مفاهیم را به دنبال دارد. از این رو، غیر از موضوع له مصلحت، مبانی نظری اشخاص نیز در صدق مفهوم مصلحت مؤثر خواهد بود؛ بر این اساس، اتخاذ مبانی صحیح گام دیگری در صدق مصادیق مصلحت است چرا که مصلحت کسی که در مبانی هستی‌شناسانه، هستی را صرفاً مادی می‌بیند با مصلحت کسی که هستی را توأمان از امور مادی و معنوی می‌داند متفاوت است (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۲)؛ مانند این که در مبانی انسان‌شناسانه، این که نفس انسان محور عالم باشد یا انسان مثاله در تأمین نوع منافع انسان تأثیرگذار است (پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴: ۶-۵).

کارکردهای رعایت مصلحت کودک

از آن‌جاکه پدر و مادر و سرپرستان کودک در مقام عمل به دنبال آن هستند تا مطابق مصالح کودک عمل نمایند، رعایت مصلحت در سرپرستی و تربیت کودک به ساحت اجرا مربوط می‌شود؛ از این رو، برای تبیین بهتر ضوابط، تحلیل درست از این ساحت و کارکردهای متفاوت مصلحت در ساحت اجرا امری ضروری است. در ساحت اجرا دو رویکرد نسبت به مصلحت وجود دارد: الف) اجرای مصلحت؛ ب) مصلحت اجرا.

منظور از اجرای مصلحت، این است که مصلحت به مثابه «قید متعلق حکم» باشد؛ این که در شرع یا قانون امر به تأمین مصالح در امور مختلف کودک توسط ولی و سرپرست او می‌شود از این سنخ است، چرا که در این فرض، رعایت مصلحت بخشی از مفاد حکمی است که شرع یا قانون بدان امر کرده. در این فرض، شارع یا قانون‌گذار تشخیص مصلحت و اجرای آن را بر عهده سرپرست کودک نهاده است؛ اما این به معنای آزادی مطلق در تشخیص مصلحت نیست، بلکه باید مطابق ضوابطی، مصالح کودک تأمین شود. در برابر مصلحت اجرا، پیدایش شرایطی است که به طور خاص در زمان عمل و اجرا صورت می‌گیرد؛ وضعیت پیش‌آمده از دو حالت خارج نیست:

- الف) تغییر شرایط به صورتی است که حکم و قانون اولیه قابلیت اجرا ندارد؛

- ب) تغییر شرایط به طوری است که اجرای دو دستور هم‌زمان امکان‌پذیر نیست. از وضعیت اول به مصلحت به مثابه «عنوان ثانوی» و از وضعیت دوم به «رافع تراحمات» یاد می‌شود. (محمدی جورکویه و زارع قراملکی، ۱۴۰۳: ۹۳).

مطابق موضوع پژوهش، ضوابط رعایت مصلحت در سرپرستی و تربیت کودک مدنظر است، از این رو، به مواردی باید پرداخت که در آن پدر و مادر و سرپرست کودک به دنبال تأمین مصالح کودک هستند که مربوط به فعل خود ایشان می‌شود؛ بر این اساس، حالت اول از رویکرد مصلحت اجرا، یعنی مصلحت به مثابه «عنوان ثانوی» خارج از بحث است؛ زیرا این حالت مربوط به جایی است که شارع یا قانون‌گذار با در نظر گرفتن شرایط عادی احکام و قوانینی را وضع کرده است، اما در مقام اجرا موانعی باعث ممانعت مکلف از عمل مطابق دستور اول و اساساً موضوع مصلحت حکم اول منتفی می‌شود، بر این اساس، با توجه به شرایط جدید حکم جدیدی صادر می‌شود.

در نتیجه تبیین ضوابط رعایت مصلحت کودک در دو کارکرد الف) اجرا مصلحت به مثابه قید متعلق حکم و ب) مصلحت اجرا به مثابه رافع تراحمات به صورت مستقل پیگیری خواهد شد.

ضوابط اجرای مصلحت به مثابه قید متعلق حکم

وانهادن تشخیص و عمل به مصلحت کودک بر عهده پدر و مادر و سرپرست او، به عنوان قید متعلق حکم توجیهی بر امکان

تشخیص مصلحت به دور از ضوابط نیست؛ بلکه ضوابطی را به دنبال دارد. رعایت مصلحت در تربیت کودک فرایندی مشتمل بر شناخت نیاز کودک، تشخیص مصالح کودک همراه با اقتضائات مربوط به عمل و اجرا است؛ از این رو، به جهت پیچیدگی امر تربیت ضروری است تا با متخصصان امر تربیت هم‌فکری صورت گرفته و مهارت‌هایی در این زمینه آموزش دیده شود؛ از این رو، مطابق دستورات شرع (آل عمران، ۱۵۹؛ شوری، ۳۸) مشورت را می‌توان ابزاری برای بازدهی بیشتر و کاهش خطا بویژه در تربیت کودک عنوان کرد نه ضابطه‌ای برای تأمین مصالح او (بیگدلی و فرچ‌پور، ۱۳۹۲: ۹۲-۹۱).

ضوابط اجرای مصلحت کودک به دودسته ضوابط پایه و موضوعی تقسیم می‌شود؛ ضوابط پایه، ضوابطی هستند که به جهت مبانی و غیرقابل تغییر بودن به حسب مقتضیات زمان و مکان اهمیت ویژه‌ای دارند، از این رو، از آن‌ها با عنوان ضوابط پایه یاد می‌شود. در برابر ضوابط موضوعی، ضوابط مرتبط با موضوع مصلحت یعنی کودک هستند که با متغیرهای اثرگذار در تشخیص مصلحت کودک ارتباط دارند.

۱. ضوابط پایه

به جهت این که ضوابط پایه، ریشه‌هایی هستند که تأمین مصالح کودک بر آن‌ها استوار بوده و عدم رعایت این ضوابط به معنای منتفی شدن مصلحت خواهد بود. از ضوابط پایه به اصول تعبیر می‌کنیم که عبارت هستند از:

۱. اصل مطابقت با شرع: نخستین اصل در تشخیص مصلحت، مطابقت آن با شرع و مصالح شرعی است (عزیزی و فلاح زاده، ۱۴۰۰: ۹۵-۹۴)؛ زیرا اساساً مصلحت زائیده شریعت بوده و در راستای تأمین اهداف انسان و جامعه انسانی است؛ به عبارت دیگر، مطابق با دیدگاه موجود در فلسفه احکام، دستورات شرع بر ملاک رعایت مصالح و مفاسد واقعی، جعل شده‌اند از این رو، انجام دستورات الهی همان اجرای مصالح خواهد بود (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۳۹). ناگفته نماند، مقصود از شرع در اینجا صرف احکام و دستورهای الهی نیست؛ بلکه لحاظ تمام جوانب دین اعم از هدف‌ها و غایت‌ها و معارف دینی است (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۳۹).

بنابراین، این که پدر و مادر در تربیت فرزند خود مطابق اصول و روش‌های تربیت اسلامی عمل نمایند، اولین گام اجرای مصلحت کودک خواهد بود، در نتیجه عمل به اصول و روش‌های تربیتی مکاتب دیگر اجرای خلاف مصلحت کودک است. هرچند اصول دیگر مورد تأیید دین هستند؛ اما به دلیل اتخاذ این اصول از عقل و فطرت در عرض با این اصل بیان می‌شوند.

۲. اصل ابتنا بر عقلانیت: ابتنا بر عقلانیت یعنی ابتنا بر عقل سلیم و عقل معاشی که عقلا در امور خود به کار می‌برند، به شرط این که در فضای دین رشد کرده باشد (میرزایی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۶۴). ذیل این اصل، همه‌جانبه نگر، دوراندیشی و غایت‌مداری نیز به عنوان مؤلفه‌های عقلانیت مطرح هستند (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷).

۳. اصل حق‌مداری: حق در لغت نقیض باطل (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۶؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳/۲۴۱؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۴/۱۴۶۰) و به معنای استحکام شیء و صحت آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۱۵)؛ در تحلیل دقیق‌تر از اصل معنایی ح، حق به معنای ثبوت به همراه مطابقت با واقعیت خواهد بود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۳۰۶).

در به کار گیری واژه حق، دو معنا متصور است:

الف) معنای لغوی مطابقت با واقع؛

ب) اصطلاحی که حق را به امور اعتباری مطرح در علم حقوق مانند حقوق کودک، حقوق زن و... معنا می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۴). بنابراین، اصل حق‌مداری به معنای نخست رعایت مقتضای حقیقت و واقعیت بوده و به معنای دوم، رعایت همین حقوق اعتباری است.

۴. اصل عدالت‌محوری: با توجه به ذاتی بودن حُسن عدل و قُبْح ظلم، رعایت عدالت، اصل دیگری در تشخیص مصلحت کودک

خواهد بود (میرزایی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۵۸). علی‌رغم کاربرد واژه‌ی عدل دو معنای متضاد، مقصود ما از عدالت در اینجا، دلالت بر استوا (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۲۴۶). مقتضای مساوات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۵۵۱) که در واقع به معنای میانه و به دور از افراط و تفریط است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸/۶۴). رعایت عدالت نیازمند درک حدود موضوع است که گاهی با معلوم شدن حقوق کودک، دایره عمل به عدالت در مورد کودک روشن می‌شود.

۵. اصول بر پایه انسان‌شناسی: از آن‌جا که به دنبال اجرای مصلحت کودک هستیم، انسان‌شناسی صحیح به عنوان شناخت موضوع مصلحت باعث کشف دقیق‌تر مصالح و مفساد مربوط به کودک می‌شود (پیوندی و زارع قراملکی، ۱۴۰۲: ۱۳). معارفی از قبیل این که انسان از دو بُعد مادی و معنوی تشکیل شده و حیات او به این دنیا ختم نشده و در سرباری دیگر ادامه حیات می‌دهد، در تشخیص مصالح کودک تأثیرگذار است؛ بنابراین ناظر به اصل مطابقت با شرع، داشتن انسان‌شناسی و حیانی و از دیدگاه اسلام، از امور لازم برای پدر و مادر در تربیت کودکشان می‌باشد.

۶. اصل کرامت انسانی: از ویژگی‌های فطری انسان، حفظ شئون و حقوق وی و عدم حقارت اوست؛ به عبارت دیگر، مدنظر قرار دادن شئون انسانی وی در ضمیر او نهادینه شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۶).

کرامت انسانی تنها به ساحت فردی او اختصاص نداشته و نسبت به ساحت اجتماعی وی اعم از کرامت اجتماعی و جامعه‌ای نیز مربوط می‌شود. کرامت فردی انسانی می‌تواند شامل مواردی چون عزت نفس، استقلال و اختیار؛ افتخار ملی و استقلال نظام در قالب کرامت اجتماعی باشد (میرزایی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۵۸). از آن‌جا که اقدامات پدر و مادر بیشتر بر کرامت فردی کودکشان تأثیرگذار است، اهتمام ویژه پدر و مادر به حفظ عزت نفس، استقلال و اختیار کودک از مسایل مهمی در تربیت بشمار می‌رود که زمینه‌ساز شخصیت و حریت اوست.

۲. ضوابط موضوعی

از آن‌جا که موضوع اجرای مصلحت، تأمین مصالح کودک است، تشخیص مصالح مربوط به کودک از دو منظر قابل بررسی است؛ الف) نفس مصالح کودک؛ ب) عوامل مؤثر در مصالح کودک.

الف) نفس مصالح کودک: این که مصالح کودک چیست وابسته به آگاهی بیشتر نسبت به خود کودک است؛ از این رو، هر مقدار موضوع کودک از ابعاد متفاوت مورد بررسی قرار گیرد مصلحت آن نیز بهتر تشخیص داده می‌شود؛ به عنوان مثال عواملی چون: احتیاجات، ظرفیت‌ها و استعدادهای کودک، اقتضائات سن و سال او، تفاوت جنسیت و حقوق و شئون اجتماعی کودک از مواردی است که در شناخت بهتر مصلحت کودک مؤثر است (ر.ک: پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴: ۲۴-۱۱).

ناگفته نماند، تشخیص نفس مصالح کودک به دو معیار شخصی و نوعی قابل تقسیم است؛ مراد از معیار شخصی، معیارهایی است که تمام توجه به همان کودکی مورد تربیت است؛ از این رو، تمام ویژگی‌های مثبت و منفی شخصی او لحاظ می‌گردد؛ در برابر منظور از معیار نوعی، توجه به خصوصیات مشترک میان کودکان است، خصوصیات عامی که می‌توان نسبت به هر کودک دیگر آن را در نظر گرفت (جاور و فاطمه منظمی، ۱۳۹۸: ۹۶-۹۵).

ب) عوامل مؤثر در مصالح کودک: عوامل مختلفی خارج از موضوع کودک، می‌توانند مانع از تحقق مصلحت او شوند، اما برای تشخیص مصلحت نهایی ضروری است که در نظر گرفته و بررسی شوند؛ مهم‌ترین متغیر اثرگذار در این زمینه، عنصر زمان و مکان است به طوری که با تغییر زمان و مکان، مصالح کودک نیز می‌تواند تغییر کند (میرزایی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۶۴).

عنصر زمان و مکان در حوزه‌های مختلفی اثرگذار است؛^۱ اما آنچه برای تشخیص اجرای مصلحت کودک موثر است، تبیین تأثیر زمان و مکان در حوزه تغییر ملاک، موضوعات و کیفیت و روش اجرا است؛

۱. تغییر ملاک: در جعل احکام و وضع قوانین، مصالح و مفاسد به عنوان ملاک در نظر گرفته می‌شوند؛ حال چنانچه بر اثر زمان و مکان تغییری در ملاک صورت گیرد، حکم نیز تغییر خواهد کرد. در نتیجه پدر و مادر باید به موقت بودن ملاک احکام، از بین رفتن ملاک یا پدید آمدن ملاک جدید در تربیت کودک خود نظر داشته باشند. به عنوان مثال در بسیاری از روایات اشاره میزان سن شده است، حال چنانچه به موجب نیازمندی‌های زمانی و مکانی، ملاکی که در سن بیان شده وجود داشته باشد، در همان سن در عصر کنونی وجود نداشته باشد، باید تغییر در حکم داده شود، هر چند تشخیص این امر بسیار سخت و دشوار است؛ به عنوان نمونه: در روایتی آمده است که پسران را تا شش سالگی مهلت داده و بعد به مدت هفت سال ایشان را به آداب خود تادیب کنید، اگر قبول کند که خیر و صلاح است و الا ایشان را رها سازید.^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۴۶-۴۷). حال چنانچه ملاک حکمی که نسبت به شش سالگی پسران در آن عصر وجود دارد در این عصر وجود نداشته باشد، این عدد باید تغییر کند.

۲. تغییر موضوعات: صدق موضوع در تأمین مصالح بسیار مهم است، بنابراین اگر به واسطه ملاک توسعه و تعمیق و یا تضییق و تخصصی در مصداق موضوعات صورت گیرد حائز اهمیت است. همچنین زمان و مکان در تغییر، تبدیل و پیدایش مصداق جدید نیز تأثیرگذار است؛ به عنوان مثال در روایات مربوط به آموزش ورزش به کودکان، تنها حکم به تعلیم دو ورزش شنا و تیراندازی شده است.^۳ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۴۷) و حال آن‌که با گذر زمان می‌توان مصداق جدیدی را یافت و حکم به داخل بودن چنین مصداقی کرد.^۴

۳. تغییر کیفیت و روش اجرا: تأثیر دیگری که زمان و مکان در موضوع می‌تواند داشته باشد، تغییر کیفیت و روش اجرا است؛ به عنوان مثال اگر در تادیب به ضرب در عصر معصوم با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی جوابگو بود، امکان دارد این روش در عصر کنونی اثر عکس داشته باشد، از این رو، باید در کیفیت و روش تربیت تغییر ایجاد کرد.

ضوابط مصلحت اجرا به مثابه رافع تراحمات

گاهی در امور تربیتی، موقعیت‌هایی پیش می‌آید که پدر و مادر امکان جمع و تأمین همه مصالح را ندارند؛ مقام تراحم، مقامی است که در آن دو حکم در مقام امتثال امکان جمع نداشته و به ناچار باید یکی از آن دو انجام شده و دیگری کنار گذاشته شود (مظفر، ۱۳۸۷: ۵۴۸)؛ حال چنانچه میان دو حکم از تمام جهات تساوی برقرار بوده و یکی بر دیگری ترجیح نداشته باشد، به حکم عقل عملی، انسان مخیر به انتخاب یکی از طرفین است (مظفر، ۱۳۸۷: ۵۴۹). اما در حالت وجود ترجیح، مهم‌ترین قاعده، اجرای قاعده عقلی «اهم و مهم» است که تقدم اهم باعث حل این مشکل و در نظر عقلا مقتضای مصلحت شمرده می‌شود (صدر، ۱۴۱۸: ۲ / ۲۱۶). برای انضباط این قاعده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مصالح اقوا: همانطور که در نظر شارع، یکی از ملاک‌ها بر دیگری مقدم بوده و ترتیب سلسله «حفظ دین، حفظ شیعه، حفظ

۱. ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۸۲-۲۷۴.

۲. عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَهْمَلُ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ بَسْتُ سِنِينَ ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدَّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ.

۳. عَلِيُّ بْنُ أَصْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرِّمَاءَةَ.

۴. شهید صدر در تعلیقات خود بر حاشیه آیت‌الله حکیم بر کتاب منهاج الصالحین در زمینه جواز سه مسابقه چنین عنوان می‌کنند: «الصحة محتملة فيما يستجد من أدوات الحرب و التحرك العسكري كالبندقية و السيارة و نحوهما و القول بذلك ليس ببعيد» (حکیم، ۱۴۱۰: ۲ / ۱۵۴) بنابراین می‌توان همین سخن را نیز در خصوص تعلیم صرف دو ورزش به کودکان تعمیم داد.

نظام اسلامی، حفظ عزت و استقلال، حفظ جان شیعیان و مسلمانان، حفظ ناموس، حفظ احکام شرعی و فروعات دینی، حفظ مال» در ملاک احکام وجود دارد (بیگدلی و فرج‌پور، ۱۳۹۲: ۹۷)؛ سلسله مصالح اقوا در خصوص کودک را می‌توان چنین مرتب کرد: حفظ جان کودک، حفظ سلامت کودک، حفظ دین کودک، حفظ مال کودک.

۲. مصالح ضروری، حرجی و تحسینی: مصالحی که از روی ضرورت کودک باشد، بر مصالحی که فقدان آن‌ها باعث عسرو حرج است مقدم بوده و مجموع این‌ها بر مصالح تحسینی که مصالحی در جهت تامین رفاه بیشتر کودک هستند تقدم دارند (پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴: ۱۰).

۳. مصلحت عام بر خاص: تقدم امری که مصالحش عمومیت بیشتری نسبت به حکم دیگر دارد (پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴: ۱۰).

۴. مصلحت فاقد بدل بر دارای بدل: در صورتی که امری بدلی نداشته باشد، از اهمیت بیشتری نسبت به امری که بدلی برای آن متصور است، حکایت دارد (نائینی، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۲۹-۳۲۷؛ مظفر، ۱۳۸۷: ۵۵۰).

۵. مصلحت مضیق فوری بر موسع: اموری که از نظر زمانی باید در سریع‌ترین زمان ممکن انجام شوند، اهمیت بیشتری نسبت به امور دارای مدت‌زمان بیشتر، دارد (نائینی، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۲۲؛ مظفر، ۱۳۸۷: ۵۵۰).

۶. مصلحت متغیر بر ثابت: مصلحتی که متغیر است، به جهت این‌که گذرا و مدت‌دار است از مصلحتی که در زمان‌های گوناگون ثابت است اهمیت بیشتری دارد (مظفر، ۱۳۸۷: ۵۵۰).

نتیجه‌گیری

با عنایت به این‌که رعایت مصلحت کودک نیازمند به ضوابطی است که در تشخیص مورد استفاده قرار گیرد، اما تفکیک کارکردهای مختلف آن برای شناخت بهتر از ضوابط انجام نگرفته بود. از این رو، با تفکیک کارکردها به اجرا مصلحت به مثابه قید متعلق حکم و مصلحت اجرا به مثابه رافع تراحمات، ضوابط مصلحت در هر یک از کارکردهای فوق بررسی شد.

۱. در ضوابط اجرای مصلحت به مثابه قید متعلق حکم، ضوابط پایه و موضوعی ترسیم گردید. ضوابط پایه، به عنوان اصول شناخته شده که در نهایت اصول شش‌گانه اصل مطابقت با شرع، اصل ابتدا بر عقلانیت، اصل حق‌مداری، اصل عدالت‌محوری، اصول پایه انسان‌شناسی و اصل کرامت انسانی به عنوان معیارهای پایه قلم‌داد شدند. در برابر ضوابط موضوعی که مربوط به موضوع کودک هستند، به دو قسم ضوابط نفس مصالح کودک و ضوابط عوامل مؤثر در مصالح کودک تقسیم و ذیل هر یک نیز موارد جزئی به عنوان معیارهای خرد عنوان شدند.

۲. در ضوابط مصلحت اجرا به مثابه رافع تراحمات، به قاعده عقلایی «اهم و مهم» اشاره شده و برای منضبط کردن آن به ملاک‌های شش‌گانه اشاره شد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۲). ضوابط مصلحت در فقه شیعه. فصلنامه سیاست متعالیه، دوره ۱، شماره ۱: ۵۸-۲۹.

۵. بیگدلی، عطاءالله؛ فرج‌پور، علی اصغر (۱۳۹۲). رهیافتی نو به ضوابط تشخیص مصلحت، از ضابطه تا فرایند. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱، شماره ۲: ۱۶۰-۱۱۹.
۶. پارساپور، محمداقرا؛ نوربخش، سوسن (۱۳۹۴). معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۲، شماره ۳: ۲۷-۱.
۷. پیوندی، غلامرضا؛ زارع قراملکی، علی (۱۴۰۲)، ضوابط مصلحت در سه ساحت استنباط، تقنین و اجرا. دو فصلنامه مطالعات فقه و مبانی حقوق، در صف انتشار.
۸. جاور، حسین؛ منظمی، فاطمه (۱۳۹۸). جایگاه و معیار مصلحت در اشتغال اطفال. فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۱۰، شماره ۱۹: ۱۰۱-۷۷.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). صورت و سیرت انسان در قرآن. قم: نشر اسراء.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۱. حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۱۳. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. قم: دارالقرآن الکریم.
۱۴. صدر، سید محمداقرا (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الأصول. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۱۷. عزیزی، حسین؛ فلاح‌زاده، علی محمد (۱۴۰۰). مصلحت اجتماعی در فقه امامیه؛ از مفهوم تا ضابطه. فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۲: ۸۵-۱۰۴.
۱۸. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. بیروت: دارالافتاء الجدیدة.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: مؤسسه دار الهجرة.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۳. محمدی جورکویه، علی؛ زارع قراملکی، علی (۱۴۰۳). جایگاه مصلحت در سه ساحت استنباط، تقنین و اجرا. فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۲۱، شماره ۸۱: ۹۷-۷۹.
۲۴. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت - قاهره - لندن: دارالکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۵. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷). اصول الفقه. قم: بوستان کتاب.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). دائرةالمعارف فقه مقارن. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۷. میرزایی، محمد؛ رضایی، محسن (۱۳۹۹). ضوابط حاکم بر کاربرد مصلحت دینی در سیاست‌گذاری‌های جنایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۳۱: ۱۷۵-۱۴۹.
۲۸. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶). فوائد الأصول. قم: جامعه مدرسین.